



ایده‌های اشتباه برای ازدواج

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تالار جامع علوم انسانی

شما را دوست ندارند؛ اما دوست داشتن این فرد از سوی آنان، دلیل کافی برای مدنظر قراردادن ازدواج با آن فرد نیست. سال‌های آینده، زمانی که آنان درگذشتند و از میان شما رفتند، شما کماکان باید اسیر فرد رؤیاهای آنان باشید؛ فردی که شاید مرد یا زن رؤیاهای شما نباشد.

• ازدواج فقط به دلیل پول و ثروت:

اگر شما شیفته‌ی فردی هستید که ثروتمند است و فقط به همین دلیل حاضرید با او ازدواج کنید و به دیگر ابعاد توجه نمی‌کنید، این ملاک مناسبی نمی‌باشد. ایده‌ی ازدواج کردن با یک فرد، بدون توجه به احساس و عاطفه‌ی قلبی و فقط از روی نگاه مادی گرایانه، به‌طور یقین، عقلانی نیست و اشتباه می‌باشد.

• ازدواج به دلیل دوری از خانواده و پدر و مادر:

وقتی وضعیت در خانه‌ی پدری، شوم و اندوه‌بار باشد، ازدواج یک راه گریز محسوب می‌شود. تعجیبی ندارد که خیلی‌ها این راه گریز را انتخاب می‌کنند؛ اما به‌طور معمول، این مسیری است که شما را از چاله درآورده و به چاه می‌اندازد. یکی دو سال دیگر در خانه‌ی پدر و مادر ماندن، بهتر از آن است که با نخستین پیشنهاد ازدواج، تن به تاهل دهید، چون آن وقت ممکن است شریک زندگی‌تان تا آخر عمر سبب رنجش و آزار شما گردد.

• ازدواج به دلیل نگرش یک جانبی پدر و مادر شما به شخص مورد نظر:

البته جای تعجب دارد که پدر و مادر شما به‌طور واقعی، همسر آینده‌ی



● ازدواج به دلیل ترحم و دل‌سوزی به یک فرد:

گاهی انگیزه‌ی فرد برای ازدواج، نجات‌دادن شخص مقابل از تنهایی، فشارهای زندگی، مشکل‌های اقتصادی و اجتماعی و دلیل‌های دیگر است. برای نمونه، دختری که به پسری وابستگی شدید دارد، مسؤولیت زندگی او از جمله کار، مسکن و مسائل مادی را می‌پذیرد. چنین انگیزه‌هایی بعد از مدتی کوتاه، رو به خاموشی می‌رود و درنهایت، زندگی مشترک را با بحران مواجه می‌سازد.

● ازدواج به دلیل خوگرفتن به ارتباط در طی زمان طولانی:

هنگامی که دو نفر پس از آشنایی، تصمیم به ازدواج با یکدیگر می‌گیرند، اشکالی ندارد؛ اما موقعی اجبار به دلیل «عادت محض» خطرناک می‌شود که دو نفر که با هم ازدواج کرده‌اند و بعد، از یکدیگر طلاق گرفته و به هم عادت کرده‌اند، تصمیم بگیرند دوباره شانس خود را امتحان کنند؛ مطمئن باشید هرگاه بار نخست، کارساز نبوده باشد، بار دوم نیز، کارساز نخواهد بود.

● فردی که برای رسیدن به شما از همسرش جدا می‌شود:

به‌طور معمول، این‌گونه ازدواج‌ها، زیاد دوام نخواهد آورد و پایه‌ای برای یک رابطه‌ی درازمدت نخواهد بود. فردی که به‌خاطر شخصی حاضر است به همسر یا نامزد خود خیانت کند، به‌طور مسلم رابطه‌ی آنان، استحکامی نخواهد داشت؛ زیرا کسی که توسط شما به فرد دیگری خیانت کرده، روزی نیز به خود شما خیانت خواهد کرد.

● ازدواج، ابزاری برای دست‌یابی به خواسته‌های دیگر:

گاهی انگیزه‌ی اصلی در تشکیل زندگی مشترک، عشق به فرد مقابل و نیاز روان‌شناختی به زیستن با فرد مقابل نیست؛ بلکه او وسیله‌ای برای رسیدن به هدف‌های دیگر می‌شود. برای نمونه، خانمی که دوست دارد در خارج از کشور زندگی کند، ممکن است با پیشنهاد فردی جهت ادامه‌ی زندگی مشترک در خارج با او ازدواج کند؛ ولی مسائل فرهنگی، استرس‌های متعددی را به‌دنبال داشته است؛ بنابراین گاهی ازدواج به‌خاطر ترس از تنهایی، از دست دادن زیبایی، از دست دادن پدر و مادر، کاهش شور زندگی و... صورت می‌گیرد. در چنین فضایی، امکان سازگاری با مشکل‌های زندگی، ضعیف بوده و درنهایت، ضریب ریسک این ازدواج‌ها، بالا می‌باشد.

● ازدواج به دلیل عشق سطحی و زودگذر:

گاهی دو نفر، چنان علاقه‌ای به یکدیگر پیدا می‌کنند که گمان می‌برند به‌راستی، عاشق هم هستند. وقتی هیجان با سرعت چشمگیری در رابطه‌ها پیش‌برود، شناخت یکدیگر به روال عادی و تدریجی خود،

پیش‌نی‌رود؛ زیرا وقت کافی برای این امر وجود نداشته است. صراحت، صداقت و اعتمادی که لازمه‌ی یک رابطه‌ی محکم است، احتیاج به زمان دارد. یک آشنایی سریع، هر چه قدر هم که هیجان‌آور باشد، تنها یک صمیمیت ظاهری به‌بار می‌آورد که به‌آسانی با نزدیکی و صمیمیت واقعی، اشتباه می‌شود. به‌همین دلیل، ازدواج‌هایی که در کوتاه‌مدت اتفاق می‌افتند، خطرهایی را به‌دنبال خواهند داشت.

● ازدواج فقط به دلیل پدر و مادر شدن:

بدون شک، یکی از مهم‌ترین عامل‌های تحریک‌کننده برای ازدواج، این است که فرد، خود را پدر یا مادر ببیند و دوست داشته باشد که صاحب فرزندی شود؛ اما آیا به این موضوع آگاهی دارید که قادر هستید از لحاظ تربیتی، عاطفی، اخلاقی و مادی، شرایطی را برای هر چه بهتر تربیت‌شدن فرزندان فراهم کنید؟ بی‌شک روزگار سپری می‌شود؛ بچه‌ها بزرگ می‌شوند؛ ازدواج می‌کنند و به‌دنبال زندگی خویش می‌روند. آن‌گاه است که احساس می‌کنید باز شما هستید و تنهایی. پس فردی را انتخاب کنید که فقط در فکر این نباشید که با او صاحب فرزند شوید؛ بلکه شخصی باشد که در تمام مراحل زندگی، پایه‌پای شما، گام بردارد و مونس و همدم واقعی‌تان باشد.

● ازدواج فقط به دلیل پایان دادن به دوران نامزدی:

دوران نامزدی دست‌کم، شرایطی را برای آگاهی زوجین از هم فراهم می‌آورد. تعدادی از افراد در این دوران، متوجه تفاوت‌های بسیاری بین خود و فرد مقابل می‌شوند یا در این دوران، متوجه ناراحتی و یا مبتلا بودن فرد به یک اختلال روانی یا وابستگی او به مواد مخدر می‌شوند؛ اما باوجود آگاهی به این مسائل، بنا به دلیل‌های فرهنگی از جمله این که به‌هم خوردن نامزدی را مساوی با بی‌آبرویی و از دست دادن حیثیت خود، قلمداد می‌کنند، تن به ازدواج می‌دهند. چنین تجربه‌هایی در زندگی مشترک، بسیار بحران‌زا بوده و احتمال جدایی آنان قابل پیش‌بینی است.

● ازدواج فقط به دلیل زیبایی ظاهری:

اهمیت جذابیت جسمانی، به‌عنوان یک عامل مهم در دوستی‌ها و مناسبت‌های اجتماعی، غیرقابل انکار است. به‌نظر می‌رسد افرادی که جذابیت ظاهری دارند، رفتارهای پسندیده‌تر و ویژگی‌های شخصیتی زیباتری هم داشته باشند. به‌خاطر چنین تصویری، تعداد زیادی از دختران و پسران، مجذوب جذابیت جسمانی هم می‌شوند. زمانی که اهمیت این عامل در معیارهای افراد برای تشکیل زندگی مشترک، بدون توجه به عامل‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و شخصیتی افراد لحاظ می‌شود، ضریب خطرپذیری چنین ازدواج‌هایی نیز به‌طور طبیعی، بالا خواهد رفت.



محمد رضا دژکام

روان‌شناس، مشاور ازدواج و خانواده
عضو انجمن روان‌شناسی ایران